

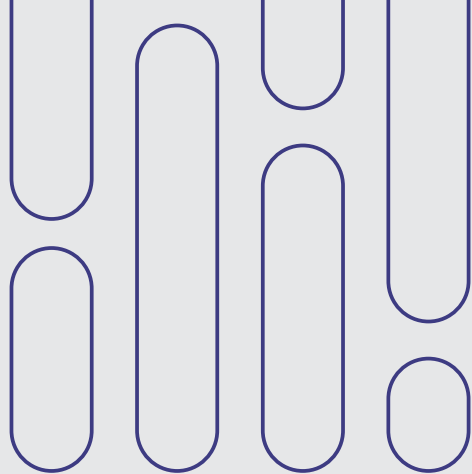
گزارش

# ایالات متحده و چالشهای ایجاد ائتلاف دفاعی یکپارچه در خاورمیانه

۲۸ مه ۲۰۲۴



**RASANA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست

نخست: پس زمینه ها و انگیزه های آمریکا از ایجاد	
ائتلاف امنیت منطقه ای.....	4
دوم: حملات ایران و فرصت ایجاد ائتلاف	
امنیتی یکپارچه.....	7
سوم: چالشها و میزان کارآیی.....	10
برآیند.....	13

ایران امید داشت که عملیات «طوفان الاقصی»، بر ائتلافهای سیاسی و اقتصادی نوظهور به رهبری ایالات متحده خط پایان خواهد کشید و جلوی هرگونه تحولاتی را که ممکن است به زیان منافع ایران و گروههای نیابتی آن در منطقه تمام شود، خواهد گرفت. اما به نظر می رسد که ایالات متحده برای معکوس کردن این روند کمر همت بسته است و با استفاده از تحولات پرشتاب کنونی تلاش می کند خاورمیانه تازه ای را رقم بزند که به گرایشهای واشنگتن نزدیکتر باشد. واشنگتن در تلاش است تا در خاورمیانه جدید ابتکار عمل منطقه را در اختیار خود بگیرد و منطقه را بر اساس اهداف بین المللی و منطقه ای خود مدیریت کند. و مانع از آن شود که تهران از قبل توافق احیای روابط با عربستان سعودی، به دستاوردهای مورد نظر خود دست یابد و جلوی نفوذ بیشتر چین را که این توافق را به ثمر رساند، نیز بگیرد. مهمترین اقدامی که اخیرا در چارچوب طرحهای واشنگتن خودنمایی کرد، همان ائتلاف امنیتی منطقه ای گسترده ای بود که ایالات متحده به کمک شرکای خود در «ناتو» و چندین کشور عربی و اسرائیل در مقابله با [حملات ایران علیه اسرائیل](#) در ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ میلادی ترتیب داد. آنچه اتفاق افتاد، صرفا یک عملیات یک روزه نبود بلکه پیش از عملیات، رایزنی ها، گفتگوها، اقدامات و تلاشهای مشترکی برای هماهنگی انجام شده بود. اما آنچه اهمیت بیشتری دارد این است که واشنگتن از حيله گری ها، تهدیدها و ناتوانی ایران در زدودن نگرانیهای کشورهای منطقه، بهره برداری کرد و این توافق امنیتی جدید را سامان داد. اما با این همه، هنوز زود است که اقدام اخیر در حمایت هماهنگ از اسرائیل را یک ائتلاف نوپا بنامیم؛ زیرا علی رغم اینکه پادشاهی عربستان سعودی و کشورهای خلیج همواره از هرگونه تلاشی در راستای تنش زدایی که به امنیت، توسعه و ثبات منطقه که همان منافع کشورهای خلیج است، حمایت و استقبال می کنند، اما بسیاری از طرفهای این ائتلاف همچنان درباره ساختار و ماهیت طرفهای دخیل و اهداف این ائتلاف همچنان جانب احتیاط را در پیش گرفته اند. اکنون سؤال اینجاست که چه انگیزه هایی آمریکا را به ایجاد چنین ائتلافی سوق داده است؟ و بعد از حملات ایران، این ائتلاف چه ساختاری ممکن است داشته باشد؟ این ائتلاف به عنوان یک ساختار امنیت منطقه ای یکپارچه، در آینده با چه چالشهایی روبرو خواهد بود؟

## نخست: پس زمینه ها و انگیزه های آمریکا از ایجاد ائتلاف امنیت منطقه ای

بعد از تصمیم آمریکا مبنی بر عقب نشینی از منطقه خاورمیانه و متمرکز کردن تلاشها برای مقابله با خطرهای در جنوب شرق آسیا، طبیعتاً کارآیی چتر حمایتی آمریکا در منطقه نیز بسیار کم رنگ شد. از این رو، ایالات متحده در طول چند سال گذشته تلاشهای زیادی به خرج داد تا یک سازوکاری برای امنیت منطقه ای ایجاد کند که به عنوان جایگزین مناسبی به جای چتر حمایتی آمریکا در منطقه عمل کند. در دوره ترامپ، واشنگتن این مسأله را با کشورهای منطقه در میان گذاشت و گفتگوها در مورد «ناتوی عربی» صورت گرفت. این گفتگوها در دوره بایدن نیز ادامه یافت و واشنگتن همواره تلاش داشت تا روند عادی سازی روابط با کشورهای خلیج را تکمیل کند و سپس اسرائیل را نیز در این ائتلاف وارد سازد. این ائتلاف، [با مجموعه اقداماتی](#) که واشنگتن برای جبران غیاب و نبود حضور پیشین خود انجام داد، ارتباط تنگاتنگ دارد که از جمله آن اقدامات می توان به گفتگوها در مورد نظام دفاعی امنیتی یکپارچه برای مقابله با ایران، نشست های نقب، توافقنامه دفاعی با بحرین، پروژه اقتصادی هند، خاورمیانه، اروپا و همچنین ائتلاف چهارگانه میان اسرائیل و اردن و امارات و هند و دیگر ابتکارها اشاره کرد که واشنگتن تلاش کرد با این اقدامات پیامدهای عقب نشینی از خاورمیانه و رها کردن متحدان خود را مهار کند. علی رغم اینکه واشنگتن به ابتکارهای زیادی دست زد، اما در ایجاد ائتلاف امنیتی که جایگزینی برای چتر حمایتی آمریکا در خاورمیانه باشد و علاوه بر انجام مأموریت های منطقه ای، از منافع و نفوذ واشنگتن نیز محافظت کند، با مشکلات زیادی روبرو شد. اما تحولاتی که روی داد از سیاست واشنگتن پرده برداشت و تردیدی در این مسأله باقی نگذاشت که واشنگتن چاره ای جز آن ندارد که عقب نشینی خود از منطقه را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهد. و اگر واشنگتن در صدد حفظ نفوذ منطقه ای و تضمین تداوم منافع خود است، رهبری یک ائتلاف امنیتی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. جنگ میان روسیه و اوکراین ثابت کرد خاورمیانه همچنان از جایگاه خاصی در نظام بین الملل برخوردار است. و همچنان از اهمیت راهبردی و

جایگاه اقتصادی برخوردار است که واشنگتن نمی تواند از آن بی نیاز گردد. به ویژه اینکه غیاب واشنگتن به معنای حضور چین و روسیه در این منطقه است و ایالات متحده در چارچوب رقابت کنونی بین المللی در قبال این مسأله بسیار حساس است. همچنین توافق عربستان سعودی و ایران با نظارت چین نشان داد که عربستان سعودی به کاهش تنش در منطقه و گسترش دایره متحدان خود تمایل دارد. این توافق تغییرات مهمی را به دنبال داشته است که بر راهبرد منطقه ای واشنگتن مخصوصاً تعامل با تهدیدهای ایران تأثیر منفی برجای گذاشته است. علاوه بر آن، این توافق زمینه نقش آفرینی دیپلماتیک و سیاسی چین را فراهم ساخت که این مسأله می تواند نفوذ ایالات متحده را کاهش دهد. اما جنگ اسرائیل در غزه است که نشان داد اسرائیل با یک چالش وجودی روبرو است و طرحهای واشنگتن در مورد گسترش توافقات ابراهیم که نزدیک بود برگ برنده مهمی برای انتخابات بایدن و تغییر منطقه باشد، اکنون با چالشهای سختی روبرو است. همچنین کریدور هند، خاورمیانه، اروپا که رقیبی برای ابتکار چینی کمربند و جاده محسوب می شود، در سایه توازن فعلی با یک تهدید واقعی روبرو است.

از این رو، می توان گفت که ایجاد ائتلاف امنیت منطقه ای اکنون بیش از پیش برای واشنگتن یک مسأله حیاتی است که در این میان چندین مسأله مطرح است و ما در اینجا به مهمترین آنها می پردازیم:

**یک. جلوگیری از نفوذ فزاینده چین و روسیه در خاورمیانه:** ظاهراً، اهمیت ائتلاف امنیتی که واشنگتن در صدد ایجاد آن است، از آنجا ناشی می شود که جلوی نقش آفرینی بیشتر قدرتهای رقیب ایالات متحده مخصوصاً روسیه و چین در خاورمیانه را می گیرد و نمی گذارد که این دو قدرت، خلأ ناشی از عقب نشینی ایالات متحده از منطقه را پر کند و شراکتهای امنیتی و نظامی با کشورهای منطقه که در سایه کاهش چتر حمایتی آمریکا به صورت چشمگیری افزایش یافته است، را توسعه دهد.

**دو. بازسازی موازنه های راهبردی در خاورمیانه:** ایالات متحده در تلاش است با ایجاد ائتلاف امنیتی یکپارچه در منطقه، روابط منطقه ای را از نو

بازسازی کند؛ زیرا این ائتلاف موازنه های راهبردی در منطقه را به نفع نفوذ منطقه ای و جهانی آمریکا ساماندهی می کند. و در عین حال، این ائتلاف در راستای اقداماتی صورت می گیرد که واشنگتن در تلاش است اسرائیل را وارد ائتلافی کند که چندین کشور منطقه در آن مشارکت دارند.

**سه. فراهم ساختن چتر حمایت امنیتی که علاوه بر کسب رضایت کشورهای منطقه، جوابگوی بلندپروازیهای واشنگتن در استقرار مجدد نیز باشد:** به دنبال نارضایتی کشورهای منطقه از رفتار ایالات متحده مخصوصاً واکنش منفی آمریکا در قبال حملات ایران به تأسیسات نفتی عربستان سعودی، ایالات متحده آن نفوذ دیرینه خود در بین کشورهای خلیج را از دست داد. و این امر مسجل شد که ممکن است سیاستهای واشنگتن تحولاتی را رقم بزند که نفوذ منطقه ای ایالات متحده را کلاً از بین ببرد. در نتیجه، واشنگتن به بازنگری موضع خود روی آورد. اکنون واشنگتن برای ایجاد یک میکانیسم امنیتی کارساز تلاش می کند که ضمن برآورده ساختن بلندپروازیهای کشورهای منطقه که از عقب نشینی و بی تفاوتی آمریکا نسبت به مسئولیتهای امنیتی در قبال متحدانش ناراضی بودند، زمینه را برای بازسازی روابط و ایجاد چارچوبهای تازه همکاری فراهم سازد. و با وارد کردن متحدان منطقه ای در ائتلافهای گسترده در سطح بین الملل با گرایش فزاینده استقلال طلبانه مقابله کند.

**چهار. پایان دادن به تهدیدها و تلاشهای هماهنگ ایران با بازوهای منطقه ای:** همچنین این ائتلاف امنیتی یکپارچه ضمن اینکه جلوی نفوذ منطقه ای فزاینده ایران را می گیرد، شکافی که توافق عربستان سعودی و ایران در سیاست هماهنگ واشنگتن و کشورهای خلیج در قبال ایران ایجاد کرده است را نیز پر می کند و این فرصت را برای واشنگتن فراهم می سازد تا با اعمال مجدد فشارها، ایران را وادار به تعدیل سیاستهایش کند. همچنین واشنگتن با این ائتلاف گسترده میکانیسمی برای مهار تلاشهای هماهنگ ایران تدارک می بیند. گفتنی است که ایران با همکاری گروههای نیابتی در منطقه راهبرد وحدت مناطق مقاومت را در پیش گرفته است که منافع ایالات متحده و همپیمانان آن را هدف قرار می دهند.

**پنج. تضمین جریان منافع اقتصادی ایالات متحده از شرق به غرب از طریق خاورمیانه:** این ائتلاف فضای امنی را فراهم می کند تا دیدگاه ایالات متحده مبنی بر جریان منافع اقتصادی از شرق به غرب تحقق یابد. یعنی موفقیت طرح دالان اقتصادی هند، خاورمیانه و اروپا را که واشنگتن به عنوان یک طرح رقیب و یا یک طرح جایگزین برای طرح چینی کمربند و جاده ارائه داده است، تضمین می کند. و الگوی تازه ای برای برقراری روابط اقتصادی در سطح بین الملل و ائتلاف امنیتی در کنار ائتلاف اقتصادی ارائه می کند. در واقع، این ابتکار، یارگیری ایالات متحده و همپیمانان غربی از میان کشورهای منطقه است تا آنها را از پیوستن به ابتکارهای جایگزین چینی باز دارد.

## **دوم: حملات ایران و فرصت ایجاد ائتلاف امنیتی یکپارچه**

تا پیش از حملات ایران به اسرائیل، هیچ ساختار امنیت منطقه آشکارا مطرح نبود. بلکه همزمان با گفتگوهای واشنگتن، هماهنگی‌هایی در برخی حوزه های دفاعی برای ایجاد یک ساختار یکپارچه برای حمایت از منطقه در مقابل تهدیدها و جلوگیری از بروز هرج و مرج منطقه ای در جریان بود. اما انتظار می رفت که به موازات این روند امنیتی، در چارچوب اقدامات دیگری از آن رونمایی شود که اساسا به توسعه توافقات ابراهیم، طرح اقتصادی «هند، خاورمیانه، اروپا» که از کشورهای منطقه و اسرائیل می گذرد، مربوط می شود. علاوه بر آن، ایالات متحده شروط عربستان را نیز برآورده می ساخت که در رأس آنها توافقنامه دفاعی مشترک قرار دارد که روابط امنیتی میان دو کشور را به سطحی پیشرفته می رساند. و گذشته از همه اینها، سازوکاری برای حل و فصل نهایی مسأله فلسطین نیز ارائه می گردد.

اما اقدام موفقیت آمیز آمریکا در دفع حملات ایران علیه اسرائیل که در یک عملیات هماهنگ و با مشارکت متحدان اروپایی و برخی از کشورهای منطقه و همچنین اسرائیل انجام شد، این گمانه زنی را پدید آورد که این عملیات در واقع، آزمونی برای همان ساختار امنیتی و یا ائتلاف امنیتی بوده است که واشنگتن می خواهد در منطقه ایجاد کند تا به عنوان یک

سازوکار تازه ای در طرح خاورمیانه تازه نقش آفرینی کند. در واقع، واشنگتن که در چندین سطح با ایران و شبه نظامیان آن جنگ دارد، علی رغم حدود هفت ماه تلاش نتوانست از میان کشورهای منطقه در این رویارویی یارگیری کند؛ زیرا این کشورها به خاطر موضع ایالات متحده در قبال جنگ کنونی در غزه احتیاط می کردند و رفتار اسرائیل در این جنگ که تمام مقررات بین المللی را زیر پا می گذارد، بیشترین نقش را در این احتیاط کاری داشت؛ تا جایی که کشورهای خلیج از پیوستن به عملیات نگهبان شکوفایی به رهبری واشنگتن برای محافظت از کشتیرانی در دریای سرخ در مقابل حملات حوثیها نیز سر باز زدند. اما ظاهراً ورود ایران به خط درگیری اوضاع را تغییر داد. اقدام اخیر، برای واشنگتن این فرصت را فراهم ساخت تا رهیافت امنیتی خود در منطقه را محک بزند. همچنین برخی کشورها به خاطر اینکه حملات ایران علاوه بر اینکه استقلال آنها را نادیده می گیرد و عامل هرج و مرج و بی ثباتی منطقه می گردد و به ضرر مسأله فلسطین تمام می شود و نگاهها را از آن دور می کند، مواضع خود را تغییر دادند.

موفقیت ایالات متحده در مدیریت ائتلاف اروپایی - خاورمیانه ای در مقابله با حملات ایران به اسرائیل آنچنان موفق عمل کرد که ۹۹ درصد موشکها و پهپادها قبل از رسیدن به حریم هوایی اسرائیل رهگیری و منهدم شدند. این امر حرف و حدیثها را از یک تحول مهم در راستای ایجاد یک ائتلاف امنیتی گسترده و بی سابقه در خاورمیانه بر سر زبانها انداخت. به ویژه اینکه این ائتلاف کارآیی خود را در مقابله با حملات ایران به اثبات رساند و برای اولین بار اسرائیل را علناً در یک ائتلاف دفاعی در کنار کشورهای عربی قرار داد. این امر گمانه زنی هایی را در مورد امکان ایجاد ائتلاف امنیتی جدید در خاورمیانه به سبک ناتو برانگیخت.

علی رغم کارآیی آنچه به عنوان یک ائتلاف دفاعی خودنمایی کرد، اما هنوز رسماً از این ائتلاف رونمایی نشده است؛ شاید به خاطر این است که هنوز تحولات و اقدامات مهمی از جانب ایالات متحده و اسرائیل صورت نگرفته است تا رسماً از چنین ائتلافی رونمایی شود. اما می توان میان چارچوبهای امنیتی و وضعیت موجود تفکیک قائل شد؛ زیرا ظاهراً



در فضای کنونی سه سناریوی امنیتی و یا سه ساختار امنیتی مطرح است و اینکه کدام یک از این ساختارها در نهایت تحقق می یابد، به مسائلی از جمله پایان جنگ اسرائیل در غزه، بستگی دارد. این ساختارها عبارتند از:

**یک. پیشنهاد ساختار دفاعی امنیتی یکپارچه:** جنرال کنت مکنزی فرمانده ستاد نیروهای مرکزی آمریکا در سفر خود در فوریه ۲۰۲۲ میلادی از آن سخن گفته بود. و این پیشنهاد، بیش از آنکه خواست آمریکا باشد، خواست و تمایل اسرائیل است. احتمالاً این ساختار در چارچوب توافقات و راه‌های سیاسی گسترده‌تر مطرح می‌شود. و احتمالاً تعدادی از کشورهای منطقه و در رأس آنها کشورهای خلیج و اسرائیل در آن مشارکت داشته باشند. و احتمالاً این ساختار امنیتی یکپارچه نسخه‌ای دیگر از «ناتو» اروپایی باشد. این سناریو محقق خواهد شد اگر تلاش‌های کنونی ایالات متحده و کشورهای خلیج در راستای پایان دادن به جنگ اسرائیل در فلسطین به ثمر نشیند و ضمن حل و فصل عادلانه مسأله فلسطین، مطالبات کشورهای خلیج در مورد توافقنامه‌های دفاعی راهبردی دوجانبه و حمایت پایدار در مقابل تغییرات سیاست آمریکا و مطالبات آن، برآورده شود. و یک ساختار تازه‌ای به وجود آید که وضعیت و جایگاه کشورهای خلیج در موازنه قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی رعایت گردد.

**دو. ساختار امنیتی چند سطحی با هماهنگی ایالات متحده:** چندین طرف در این ساختار مشارکت خواهند داشت که شاید منافع مشترک و تهدیدهای مشترک نداشته باشند بلکه در مواردی اختلافات و مواضع متضادی داشته باشند اما منافع همه آنها در برخی پرونده‌ها با واشنگتن مشترک باشد. از این رو، ایالات متحده در راستای حمایت از امنیت منطقه‌ای، تأمین منافع اقتصادی فرامرزی از طریق مقابله با تهدیدها همانند مقابله با حملات اخیر ایران، نقش هماهنگ کننده میان آنها را ایفا می‌کند. البته بازتابی از اختلال در توازنات منطقه‌ای و تضاد در منافع، در این ائتلاف خودنمایی خواهد کرد.

زیرا در سایه سیاستهای تندروانه اسرائیل، رفتار متکبرانه آن، تجاوز به حقوق فلسطینیان و نادیده گرفتن مدام ابتکارها از جمله ابتکار عربی، گنجاندن اسرائیل در ساختارهای امنیتی با مشارکت کشورهای خلیج و مخصوصاً عربستان سعودی بسیار سخت است.

**سه. شراکتهای امنیتی دوجانبه با ایالات متحده:** این سناریو به معنای احیای شراکتها و ائتلافهای راهبردی با تعدادی از کشورهای منطقه است که احتمالاً ایالات متحده این شراکتها را به شراکتهای دوجانبه عمیق تر ارتقا خواهد داد به گونه ای که ممکن است به امضای توافقنامه های دفاعی مشترک با کشورهایی چون عربستان سعودی و امارات منجر شود؛ و این به معنای بازگشت چتر حمایتی آمریکا است که هم رقابت فزاینده ژئوپلیتیک قدرتهای بین المللی و منطقه ای در نظر می گیرد هم بتواند پاسخگوی بلندپروازیهای کشورهای خلیج باشد که از تغییرات سیاست آمریکا و دوگانگی آن ناراضی هستند.

## **سوم: چالشها و میزان کارآیی**

با توجه به وضعیت هرج و مرج کنونی منطقه که طرحهای اقتصادی کشورهای منطقه را با مشکلاتی روبرو می سازد؛ مخصوصاً در مورد حملاتی که کشتیرانی را در تنگه هرمز و باب المندب هدف قرار می دهد و همچنین با توجه به خطر ایران که تمایلی به تغییرات جوهری در رفتار منطقه ای خود ندارد، رویکرد ایجاد ائتلافهای امنیتی تقویت می شود. همچنین ایالات متحده در تلاش است با استفاده از شرایط کنونی و از طریق ایجاد یک ائتلاف امنیتی گسترده که احتمالاً در آینده اسرائیل را نیز دربرگیرد، یک جهش بی سابقه ای در روابط میان کشورها ایجاد کند؛ البته ورود اسرائیل به این ائتلاف مستلزم دستیابی به یک راه حل عادلانه برای مسأله فلسطین و عادی سازی روابط با عربستان سعودی است. و مهمتر از همه اینکه اکنون ایالات متحده برای گنجاندن خاورمیانه در طرحهای ژئواقتصادی خود در سطح بین الملل تمایل نشان می دهد. هدف از این طرحها این است که متحدان ایالات متحده را وارد سیستمی کند که در خدمت هژمونی آمریکا است. و در عین حال، کشورهای منطقه را از پیوستن به دالانهای اقتصادی، طرحها و ائتلافهای بدیلی که به تضعیف نفوذ جهانی واشنگتن منجر می شود و مانعی در برابر سلطه دلار به حساب می آید، منصرف کند. ابتکار کمربند و جاده و سازمانهای بریکس و شانگهای ابتکارها و ائتلافهایی هستند که نفوذ ایالات متحده را در سطح بین الملل کاهش می دهد.

شاید بتوان گفت که مشکل اساسی بر سر ایجاد یک ائتلاف امنیتی یکپارچه - طبق هر کدام از ساختارهای مورد نظر- همان اختلاف در سطح انتظارات طرفهای این ائتلاف است که در این راستا به این موارد می پردازیم:

### **یک. اختلاف موضع آمریکا با کشورهای خلیج در مورد نفوذ چین و**

**روسیه:** واشنگتن می خواهد ساختاری ایجاد کند که به مدد آن، نفوذ منطقه ای خود را بازسازی کند و جلوی نفوذ چین و روسیه را نیز بگیرد. اما کشورهای منطقه، شراکتهای راهبردی با پکن دارند و روابط آنها با روسیه روز به روز تقویت می شود. این کشورها می خواهند روابط خود را متوازن نگهدارند و از صف بندی های کنونی در سطح بین الملل نیز دور باشند و در این راستا راهبرد تنوع بخشیدن به شراکتهای، حفظ استقلال در تصمیمات خارجی و گره نزدن منافع و سیاستهای خود به هیچ قدرت خارجی را در پیش گرفته اند. کما اینکه از نگاه این کشورها توازن بین المللی کنونی فرصتی است تا آنها خود را از زیر بار دیکته ها و فشارها نجات دهند و از این فرصت برای تقویت منافع و دستاوردهای خود استفاده کنند.

### **دو. پیچیدگیهای رابطه با ایران: توافق عربستان سعودی و ایران در**

مارس ۲۰۲۳ میلادی، به اختلافات ایران با کشورهای عربی و مخصوصا با عربستان سعودی پایان داد و در زمینه تنش زدایی، دستاوردهایی نیز به همراه داشت. علی رغم اینکه این توافق به خاطر رفتار ایدئولوژی زده ایران و تحریمهای اقتصادی ایران نتوانست تمام انتظارات را بر آورده کند، اما از نگاه طرفهای ذیربط، همچنان به عنوان تکیه گاهی برای امنیت و ثبات منطقه ای مطرح است. در حالیکه ایالات متحده اصرار دارد که ساختار امنیتی منطقه ای اساسا برای مقابله با ایران ایجاد می شود، اما دیدگاه کشورهای منطقه با دیدگاه واشنگتن کاملا یکسان نیست. در نتیجه، خود را از این رویارویی دور نگه می دارند. همچنین کشورهای منطقه تمایلی ندارند که در صف بندی علیه ایران در کنار اسرائیل قرار گیرند که پرهیز برخی از کشورهای خلیج از مشارکت در دفع حملات ایرانی علیه اسرائیل و پیش از آن، عدم مشارکت در عملیات «نگهبان شکوفایی» در دریای سرخ، بهترین گواه این مدعا است.

**سه. ثبات؛ اولویت کشورهای منطقه است:** کشورهای منطقه برای فراهم ساختن فضای مناسبی برای پیشبرد توسعه و تحقق طرحهای بلندپروازانه نیاز به امنیت و ثبات دارند. و بی تردید، ایجاد ائتلافهای امنیتی بار دیگر منطقه را به صف بندی و رویارویی سوق می دهد و سبب می شود که منابع کشورها به جای طرحهای توسعه ای صرف هزینه های دفاعی شود. این در حالیست که تصمیم سازان کشورهای منطقه در مرحله کنونی چنین قصدی ندارند. از سویی دیگر، نمی توان منافع قدرتهای منطقه ای و از جمله منافع کشورهای شورای همکاری خلیج را در یک سبد جمع کرد؛ زیرا این کشورها در مورد مسائل مختلف و جنگهای منطقه ای و همچنین در مورد رابطه با قدرتهای رقیب مانند اسرائیل، ایران و ترکیه مواضع متضادی دارند. ظاهرا، بسیار سخت است که یک ساختار امنیتی منافع همه اطراف را باهم برآورده سازد. در طی چندین دهه، منطقه خاورمیانه چندین ساختار را آزموده که موفقیت آمیز نبوده است. علاوه بر آن، تعدادی از کشورهای منطقه در میان خود نیز اختلافاتی دارند.

**چهار. مشکل سهیم شدن اسرائیل:** هر ائتلافی در منطقه که اسرائیل نیز در آن باشد، یک ائتلاف سست بنیان خواهد بود؛ مخصوصا اگر اسرائیل همچنان به نابود کردن مسأله فلسطین همت گمارد و به فشارهای منطقه ای و بین المللی برای دستیابی به یک راه حل عادلانه در مورد مسأله فلسطین وقعی ننهد. کما اینکه هر نوع جنگی با اسرائیل مانند جنگ کنونی غزه، این ائتلاف را عملا از کارآیی می اندازد. و طرفهای چنین ائتلافی را در مقابل چالشهای بسیار سختی از جمله اوضاع داخلی قرار می گیرند. همچنین، قرار گرفتن در کنار ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، حتی اگر مشارکت عملی نداشته باشند، باز هم آن کشورها را هدف حملات ایران قرار خواهد داد. و هیچ تضمینی وجود ندارد که آمریکا و غرب همانگونه که از اسرائیل در مقابل حملات ایران در ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ میلادی دفاع کردند، از این کشورهای عربی نیز دفاع کنند. از این رو، امکان دارد ساختار امنیتی یکپارچه با مشارکت اسرائیل مسأله ای پر چالش و کم دستاورد باشد.

## برآیند

علی‌رغم اینکه واشنگتن بر ایجاد یک ساختار امنیتی اصرار دارد تا از طریق آن به متحدان خلیجی خود اطمینان دهد، و علاوه بر بازیابی نفوذ منطقه‌ای خود، سازوکار جایگزینی برای چتر حمایتی در پاسداری از امنیت و ثبات منطقه‌ای و میکانیسمی برای بازدارندگی در مقابل ایران و جلوگیری از نفوذ ایران، چین و روسیه معرفی کند تا بتواند مانعی بر سر طرح کمربند و جاده که از منطقه می‌گذرد نیز ایجاد کند، اما وجود چالش‌های متعدد حکایت از آن دارد که وضعیت ائتلافی که به رهبری ایالات متحده پا گیرد، با آنچه در گذشته شاهد بودیم، به مراتب متفاوت‌تر خواهد بود. زیرا منطقه تغییرات برگشت‌ناپذیری را به خود دیده است. از این رو، بازگشت آمریکا به منطقه، پرهزینه خواهد بود و با گرایشها و رویکردهای منطقه‌ای ضد و نقیضی روبرو خواهد شد؛ زیرا منافع و دیدگاههای برخی از قدرتهای منطقه ممکن است با دیدگاهها و منافع واشنگتن همخوانی نداشته باشد. از این رو، دستیابی به یک ساختار امنیتی که از یک سو منافع واشنگتن را تأمین کند و از سوی دیگر، منافع کشورهای منطقه را نیز برآورده سازد، نیازمند آن است که واشنگتن در رفتار خود تغییرات زیادی اعمال کند و با فاصله گرفتن از دیدگاههای از پیش تعیین شده، از دیکته کردن و ارائه راهکارهایی که پشت درهای بسته تدوین شده است پرهیزد. بلکه یک رهیافت واقع‌بینانه‌ای را در پیش گیرد که منافع کشورها و ملتهای منطقه از جمله برقراری روابط با ثبات با ایران و تعامل محتاطانه با فضای کاملاً پیچیده و پرتلاطم را در نظر بگیرد؛ زیرا در شرایطی که رقبای آمریکا هر لحظه برای پر کردن جای واشنگتن آمادگی دارند، هر گونه ارزیابی نادرست از اوضاع می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای واشنگتن به بار آورد.

